

۱۴۴۹۴۳۴

داستان

بن کارسون

اليف

بن کارسون

سسیل مورفی

ترجمه

زلیخا پولادیان (شهنه)



انتشارات آثار فکر

تهران - ۱۳۹۵



سرشناسه	کارسون، بن، ۱۹۳۲ - Ben Carson
عنوان و نام پدیدآور	داستان بن کارسون / تألیف بن کارسون، سیسیل مورفی، [آناناس استگ]، ترجمه زلیخا پولادیان (شهنا) و ویراستار منیژه پونکی.
مشخصه نشر	تهران: آثار فکر، ۱۳۹۵.
ملاحظات فیزیکی	۱۵۹ ص.
شابک	978-600-7492-72-7
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
یادداشت	عنوان اصلی: Ben Carson, c1992
موضوع	کارسون، بن، ۱۹۳۲ - سرگذشتنامه Ben-- Biography Carson
موضوع	جراحان: مغز و اعصاب - ایالات متحده - سرگذشتنامه
موضوع	Biography -- Neurosurgeons -- United States
موضوع	آفریقاییان - ایالات متحده - سرگذشتنامه African Americans -- Biography
موضوع	جراحان مغز و اعصاب / پزشکان / Neurosurgeons / Physicians
موضوع	مورفی، سیسیل، ۱۹۳۲ - Murphey, Cecil B.
شناسه افزوده	استگ، آناناس / Aaseng, Nat
شناسه افزوده	۱۹۵۳ - ۱۳۲۹ - مترجم
رده بندی کنگره	۶۱۷/۹۲۰۹۸
رده بندی دیویی	۶۱۷/۹۲۰۹۸
شماره کتابشناسی ملی	۴۴۵۲۸۲۶

تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهید حید نظری،
پلاک ۹۹، طبقه دوم تلفن: ۶ و ۶۶۹۶۷۳۵۵ - بر: ۸۲ - ۶۶۴۸۰



داستان بن کارسون

تألیف: بن کارسون - سیسیل مورفی

ترجمه: زلیخا پولادیان (شهنا)

ناشر: انتشارات آثار فکر

ویراستار: منیژه پونکی

چاپ: اول ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۷-۷۲-۷۴۹۲-۶۰۰-۹۷۸

قیمت ۱۱۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه.....
۹.....	دیباچه.....
۱۱.....	فصل ۱: خدا حافظ پدر.....
۱۹.....	فصل ۲: بار مسئولیت.....
۲۷.....	فصل ۳: شش سالگی.....
۳۷.....	فصل ۴: اتفاق مثبت.....
۴۵.....	فصل ۵: مشکل بزرگ پسرها.....
۵۳.....	فصل ۶: خشم هولناک.....
۵۷.....	فصل ۷: موفقیت کاپیتان.....
۶۳.....	فصل ۸: انتخاب دانشگاه.....
۶۷.....	فصل ۹: تغییر قوانین.....
۷۱.....	فصل ۱۰: یک مرحله جدی.....
۷۷.....	فصل ۱۱: یک قدم به جلو.....
۸۵.....	فصل ۱۲: ورود به جایگاه خودم.....
۹۱.....	فصل ۱۳: سال استثنایی.....
۱۰۱.....	فصل ۱۴: دختری به نام ماراندا.....
۱۰۹.....	فصل ۱۵: دل شکستگی.....
۱۱۱.....	فصل ۱۶: بت کوچولو.....
۱۲۵.....	فصل ۱۷: سه بچه استثنایی.....
۱۳۱.....	فصل ۱۸: کرگ و سوزان.....
۱۴۱.....	فصل ۱۹: جدا کردن دوقلوی به هم چسبیده.....
۱۴۷.....	فصل ۲۰: ادامه قصه آنها.....
۱۵۳.....	فصل ۲۱: امور خانوادگی خودم.....
۱۵۷.....	فصل ۲۲: اندیشه بزرگ.....

مقدمه

کتاب داستان زندگی بن کارسون جراح مغز و برجسته آمریکایی است که در سال ۱۱۶۱ در ایالات میسیگان در خانواده‌ای فقیر چشم به جهان گشود. اما با تلاش بی‌وقفه و سختی بسیار به تحصیل پزشکی پرداخت و از دانشگاه یل فارغ‌التحصیل شد. کارهای او علاوه بر اینکه سال‌های متوالی مسئولیت مدیریت بخش جراحی موثر به سبب آزادی دوقلوهای به‌هم چسبیده و پیشرفت روش‌های درمان و کنترل بیماری صرع باره نمود.

وی را می‌توان یکی از کرساترین و والاترین انسان‌های این عصر دانست که توانست با وجود موانع بسیار، خواب‌بران آل‌محیط و شرایط طبقه حاکم خود گام بردارد. اهمیت این مسئله در این است که بسیاری از افراد در همه نقاط جهان تسلیم شرایط می‌شوند و در بداختن طرحی نو در زندگی ناتوان هستند البته نباید نقش موثر حمایت و تلاش مادر کارسون را در موفقیت وی فراموش کرد.

دیدگاه سیاسی کارسون در طول زندگی‌اش دچار تحولات بسیاری گشته و در حال حاضر در طیف محافظه‌کار جای دارد و اخیراً برای مدتی کاندیدای ریاست جمهوری آمریکا از سوی حزب جمهوری‌خواه بود.

پدیدآورندگان این کتاب آقای گرگ لوئیس و همسر ایشان دبورا لویی، هر دو مولف نوشته‌های متعددی هستند. خانم دبورا داستان‌سرا و مدرس علوم تربیتی است. این دو با نوشتن زندگی‌نامه بن کارسون علاوه

بر اینکه فرهیخته‌ای والا را له جهانیان معرفی کردند، نشان دادند که هدف، تلاش و در واقع عامل درونی انسان‌ها نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در جهت دادن سرنوشت انسان‌ها بازی می‌کند. می‌توان با تقویت اراده و به‌کارگیری پتانسیل‌ها، عوامل منفی و بازدارنده را خنثی نمود.

من نیز با ترجمه این کتاب حامل همین پیام به نسل جوان ایرانی

هستم.

مولانا می‌گوید:

تو در آن غم‌ها زیرون مجو که پازهر و درمان غم‌ها تویی

من این کتاب را به یاد می‌کنم به روح پدر و مادر (اسد و بیاض پولادیان) عزیزم که هم‌اکنون مشوق پیشرفت من در زندگی بوده‌اند. همچنین از خانم دکتر منیحه افغانی و برادرزاده‌ام شادی پولادیان گازی که در چاپ این کتاب یاری کردند تشکر می‌کنم.

دییاجه

فریاد خون برسانید. خون برسانید سکوت اطاق را در هم شکست. دوقلوها تا بحال ۵۰ یونیت خون دریافت کرده‌اند؛ ولی هنوز خون‌ریزشان قطع نشده در همین حین جواب آمد دیگر خونی از گروه خون آنها موجود نیست، همه را مصرف کرده‌ایم. با شنیدن این پاسخ، وحشت سراسر اطاق جراحی را فرا گرفت. تمام خون AB منفی موجود در بانک خون بیمارستان جان‌هاپکینز مصرف شده بود؛ ولی هنوز دوقلوهای ۷ ماهه به خون نیاز داشتند دوقلوهایی که از بدو تولد از قسه تعجب سر به هم چسبیده بودند و چنانچه خون به آنها نرسد، خواهند مرد، با و ن اینکه کوچکترین شانس برای بهبودی داشته باشند و این تاسف‌ناک آنها برای داشتن زندگی عادی بود.

مادر آنها، ترسا، سراسر دنیا را جستجو کرده بود، تا دگری پیدا کند که این کار را انجام دهد. تمام دکترها بر این عقیده بودند که این عمل امکان‌پذیر نیست، مگر اینکه تو حاضر شوی که یکی از آنها را فدا کنی. ترسا حتی نمی‌توانست به این موضوع فکر کند. هر کدام از دوقلوها شخصیت مخصوص خودشان را داشتند. یکی بازی میکرد و یا مشغول خوردن بود؛ درحالی‌که دیگری خوابیده بود. برای این مادر امکان نداشت، بتواند چنین تصمیمی بگیرد.

بالاخره بعد از چندین ماه جستجو و تحلیل، او گروه جراحان بیمارستان جان هاپکینز در بالتیمور آمریکا را پیدا کرد. با توجه به موقعیت حساس این بچه‌ها، خیلی از افراد این گروه ۷۰ نفری خودشان خون می‌دادند. جراحی پرزحمت و خسته کننده روی این بچه‌های کوچک، بیهوشی و عمل قلبها با توجه به اشتراکی که در رگهای خونی ظریفشان داشتند حدود ۱۷ ساعت به طول انجامید. این جراحی بعد از ۵ ماه بررسی و تمرینهای مقدماتی با موفقیت صورت گرفت. تنها مشکلی که وجود داشت این بود که در اثر جراحی قابل خونریزی رگها قابل کنترل نبود چنانچه تمام رگهای سر بچه‌ها سر برین می‌کردند.

خوشبختانه در مدت کوتاهی بانک خون شهر بالتیمور مقدار لازم خون را به آنها رساند. جراحان توانستند با بکاربردن تمام تخصص و مهارتشان جلوی خونریزی را گرفته و جراحی را ادامه دهند. بالاخره جراح پلاستیک آن ریزه بچه‌های پوست را زد و زخم‌ها را بست و بعد از ۲۲ ساعت جراحی به پایان رسید و دوقلوهای سیاهی بنام پتریک و بن ژامین برای اولین بار در زندگیشان از هم جدا شدند.

جراح اصلی این عملیات که با برنامه‌ریزی، این جراحی را قبول کرده بود، پسر بچه‌ای سیاه برخاسته از یکی از محله‌های پایین و فقیرنشین دیترویت میشیگان بود.